

آموزش ترجمه به طریق خودآموز (۵)

در این شماره نیز سه متن کوتاه را به روش خودآموز چهار مرحله‌ای با هم ترجمه می‌کنیم.

متن اول: مرحله اول: متن زیر را ترجمه کنید: این متن ادبی نیست ولی درباره تجربه‌ای ادبی است و لذا زبان ترجمه باید بسیار دقیق باشد تا تجربه‌ای را که نویسنده توصیف می‌کند خواننده به روشنی دریابد. نویسنده تجربه مارسل پروست نویسنده فرانسوی را وصف می‌کند که اهالی ادبیات کاملاً با آن آشنا هستند و اتفاقاً به همین دلیل اگر مترجم خودش از قبل با این تجربه آشنا نیست و اولین بار در اینجاست که با آن آشنا می‌شود بهتر است به متن اکتفا نکند و اطلاعات بیشتری درباره این تجربه از منابع دیگر به دست بیاورد تا به قول معروف سوتی ندهد. مثلاً کتاب پروست ترجمه شده و نیازی نیست عنوان آن را دوباره ترجمه کرد.

Late in *À la recherche du temps perdu*, Proust's Marcel is going to a party at the Parisian mansion of his friends the Guermantes, brooding about the many losses in his life and his inability to write. As he crosses the Guermantes' courtyard, he stumbles on a pair of uneven paving stones, and suddenly his mood changes: "Just as, at the moment when I tasted the madeleine, all anxiety about the future, all intellectual doubts had disappeared, so now those that a few seconds ago had assailed me on the subject of the reality of my literary gifts, the reality even of literature, were removed as if by magic." The paving stones have brought about an involuntary recollection of his joy, years before, at visiting Saint Mark's Cathedral in Venice. Now, putting together this new recovery of time past with his early experience of the madeleine, he finally begins to see his way to the construction of his great "cathedral-novel."

مرحله دوم: در این مرحله، نکته‌های مهم واژگانی، ساختاری و معنایی متن توضیح داده می‌شود تا ببینید آیا متن را درست فهمیده‌اید یا نه. پس از خواندن این توضیحات می‌توانید ترجمه خود را اصلاح کنید.

۱. در جمله اول نویسنده به جای اینکه بگوید Marcel می گوید Proust's Marcel. این تمایز از این جهت اهمیت دارد که رمان فوق درباره زندگی شخصی خود نویسنده یعنی مارسل پروست است و منظور از Proust's Marcel شخصیت مارسل است که پروست در داستان خلق کرده است و نه خود مارسل پروست.
۲. در عبارت Parisian mansion of his friends the Guermantes درک رابطه میان اجزای آن اهمیت دارد: خانواده گورمانت که اعضای آن همگی دوستان مارسل هستند خانه‌ای بزرگ در پاریس دارند و مارسل دارد به خانه آنها می‌رود.
۳. نویسنده جمله‌ای از خود رمان هم نقل می‌کند. در این موارد اگر ترجمه خوبی از رمان به فارسی موجود باشد (که در این مورد موجود است) بد نیست ترجمه را نقل کنیم چون مترجم با توجه به اینکه کل کتاب را ترجمه کرده، اشراف بیشتری به آن جمله داشته است.

مرحله سوم: ترجمه خود را با ترجمه پیشنهادی زیر مقایسه کنید و به تفاوت‌ها توجه کنید.

ترجمه پیشنهادی: در اواخر رمان در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته اثر مارسل پروست، مارسل، قهرمان رمان، وقتی که دارد به عمارت اعیانی دوستانش، خانواده گورمانت، در پاریس به مهمانی می‌رود، با اندوه به چیزهای متعددی که در زندگی از دست داده می‌اندیشد و به اینکه دیگر قادر به نوشتن نیست. وقتی از حیاط عمارت می‌گذرد، بین دو سنگ ناهموار سکندری می‌خورد و ناگهان حالت روحی‌اش تغییر می‌کند: «درست مثل آن لحظه که طعم مدلین را چشیدم، ناگهان تمام دلوایسی‌هایم درباره آینده و تمام تزلزل‌های فکری‌ام از میان رفت؛ و نیز همه تردیدهایی درباره استعداد ادبی‌ام و حتی واقعیت ادبیات که چند ثانیه پیش به ذهنم هجوم آورده بودند گویی در اثر جادو ناپدید شد.» سنگفرش‌ها باعث شده‌اند که مارسل به طرزی غیرارادی خاطره خوشی از سال‌ها پیش را بیاد بیاورد؛ خاطره بازدید از کلیسای جامع سنت مارکو در ونیز. مارسل حالا گذشته باز یافته و تجربه چشیدن طعم مدلین در دوران کودکی را کنار هم می‌گذارد و سرانجام راه خود را به سوی نوشتن رمان شکوهمند خود با الهام از کلیسای جامع باز می‌کند.

مرحله چهارم: به توضیحاتی درباره ترجمه پیشنهادی توجه کنید:

۱. فعل brood را با استفاده از دو کلمه ترجمه کردم: «با اندوه... می‌اندیشد».
۲. ترکیب "cathedral-novel" را عیناً ترجمه نکردم بلکه تفسیرم را نوشتم. البته این تفسیر مثل هر تفسیر دیگر ممکن است نادرست باشد یا یکی از تفسیرهای ممکن

باشد. نویسنده در جمله قبل به کلیسای جامع اشاره می‌کند و بعد به رمان پروست که رمانی چندجلدی است و مثل کلیسای جامع عظمت دارد.

متن دوم: مرحله اول: متن زیر را ترجمه کنید. این متن پاراگراف آغازین یک داستان کوتاه نوشته ماشادو د آسیس است. در این متن راوی دارد برای دوستش ماجرای را تعریف می‌کند. در همین ابتدا باید تصمیم بگیریم که آیا زبان متن شکسته باشد یا نشکسته. معمولاً مترجمان ایرانی از زبان نشکسته استفاده می‌کنند ولی رنگ و بوی محاوره به کلام می‌دهند. ضمن اینکه قدمت متن هم در انتخاب نوع زبان تأثیر دارد. این متن چون متعلق به گذشته است زبان نشکسته حال و هوای داستان را بهتر منتقل می‌کند:

“I was always opposed to trials by jury,” my friend told me. “Not the institution itself, which is very liberal, but because I hate the idea of condemning anyone, and because of those words in the Gospel: ‘Judge not, that ye be not judged.’ And yet I’ve twice served on a jury. I felt so uneasy about passing judgment that, with just two exceptions, I absolved all the prisoners. I really did feel that the other cases had not been proven satisfactorily, and a couple of the trials were very badly handled. The first prisoner I condemned was a previously law-abiding youth, who was accused of having stolen a rather small amount of money by forging a document. He didn’t deny the fact, nor could he, but he did deny that the crime had been his idea or initiative. Someone, whom he did not name, had suggested it as a way of meeting an urgent financial need; but God, who sees into all our hearts, would ensure that the real criminal received his just deserts.

مرحله دوم: در این مرحله، نکته‌های مهم واژگانی، ساختاری و معنایی متن توضیح داده می‌شود تا ببینید آیا متن را درست فهمیده‌اید یا نه. پس از خواندن این توضیحات می‌توانید ترجمه خود را اصلاح کنید.

۱. در ترجمه جمله I felt so uneasy توجه کنید که فعلی که در اینجا به کار رفته زمان گذشته است ولی در انگلیسی زمان گذشته دو کاربرد دارد؛ یکی برای اشاره به عملی که یک بار در گذشته انجام شده و دیگری برای اشاره به عملی که مدام در گذشته انجام می‌شده یا حالتی که مدام برقرار بوده است.

۲. در جمله اول Institution به هیئت منصفه برنمی‌گردد بلکه به محاکمه با حضور هیئت منصفه برمی‌گردد.

۳. جمله آخر که با *But God* شروع می‌شود بیانگر نظر راوی داستان است و نه جوانکی که دزدی کرده است.

مرحله سوم: ترجمه خود را با ترجمه پیشنهادی زیر مقایسه کنید و به تفاوت‌ها توجه کنید.

ترجمه پیشنهادی: من همیشه مخالف محاکمه با حضور هیئت منصفه بوده‌ام. البته با این نوع محاکمه مخالفتی ندارم، چون رسمی دموکراتیک است؛ مخالفت من به این دلیل است که دوست ندارم کسی را محکوم کنم. وانگهی انجیل می‌گوید «قضاوت نکنید تا قضاوتتان نکنند.» ولی تابه حال خودم دوبار عضو هیئت منصفه بوده‌ام و در هر دو بار آن قدر از قضاوت کردن واهمه داشتم که به جز دو مورد، بقیه متهمان را بی‌گناه اعلام کردم چون واقعاً احساس می‌کردم که جرم آنها کاملاً اثبات نشد و چند تا از محاکمه‌ها هم خیلی بد برگزار شد. اولین متهمی که محکوم کردم، جوانکی بود که سابقه کیفری نداشت و جرمش این بود که با جعل سند مقدار ناچیزی پول سرقت کرده بود. جوانک خودش انکار نمی‌کرد، یعنی جای انکار نبود، ولی انکار می‌کرد که فکر دزدی از او بوده است. می‌گفت شخصی، که اسمش را هم نمی‌گفت، برای رفع نیاز مبرمش به پول، این راه را پیش پایش گذاشته است. ولی خداوند که به نیت بشر آگاه است سزای مجرم واقعی را کف دستش خواهد گذاشت.

مرحله چهارم: توضیح درباره ترجمه پیشنهادی:

۱. کلمه *institution* در فرهنگ معاصر معنایی غیر از نهاد و بنیاد هم پیشنهاد کرده که در اینجا بسیار مناسب است: رسم، عرف، چیز متداول.
۲. در غالب موارد، ساختار جمله نویسنده در ترجمه تغییر کرده است: مثلاً در جمله اول ساختار جمله چنین بوده است: (... مخالف بوده‌ام نه با... بلکه چون...).
۳. برای حفظ کهنه بودن زبان انجیل، این آیه را تا حد امکان موجز ترجمه کردم: «قضاوت نکنید تا قضاوتتان نکنند.»
۴. در بسیاری از موارد ضرورت دارد که جمله ایجابی را سلبی ترجمه کرد. مثلاً عبارت *a law-abiding youth* را ترجمه کرده‌ام: «جوانکی بود که سابقه کیفری نداشت.»
۵. تعبیرات محاوره‌ای نمک متن هستند. هرکجا که پیش بیاید، و به شرط پرهیز از افراط، خوب است از چنین تعبیراتی استفاده شود، مثل دو موردی که در اینجا آمده است: «این راه را پیش پایش گذاشته است» و «سزای مجرم واقعی را کف دستش خواهد گذاشت».
۶. عبارت «و در هر دو بار» را برای ایجاد انسجام روایی و منطقی به متن افزودم.

متن سوم: مرحله اول: متن زیر را ترجمه کنید. این متن بخشی از یک داستان طنز درباره کتاب‌فروشی است که تعدادی پوستر امپراتور خریده ولی چون ستاره امپراتور افول کرده پوسترها روی دستش مانده و حالا سرمایه او در انبار مغازه دارد خاک می‌خورد.

And so the ill-disciplined black tomcat sprawled all over the portraits of the Emperor. After eighteen months, the mould had even reached the Emperors at the bottom of the pile. The Austrians were on the way out and Austria as a whole was like something the cat had brought in. And then Mr Petiška took paper and pencil and worked out with a heavy heart that he wasn't going to get rich this way and that if he sold the Emperor for two crowns he'd still make a crown on each portrait. And he devised some effective publicity. He put a portrait in the display case and wrote underneath: 'This ancient Monarch reduced from 15 to 2 crowns'.

مرحله دوم: توضیح برخی نکته‌های واژگانی، ساختاری و معنایی.

۱. مهم‌ترین نکته درباره متن فوق این است که این متن طنز است و طبعاً باید در ترجمه زبانی طنزآمیز پیدا کند و برای ساختن زبان طنز باید از قابلیت‌های زبان فارسی در ایجاد طنز استفاده کرد، به‌خصوص از اصطلاحات محاوره‌ای که زبان فارسی از این حیث بسیار قوی است.

مرحله سوم: ترجمه خود را با ترجمه پیشنهادی زیر مقایسه کنید و به تفاوت‌ها توجه کنید.

ترجمه پیشنهادی: و بدین ترتیب گربه سیاه بی‌نزاکت خود را روی عکس‌های امپراتور ولو کرد. ظرف هجده ماه، کپک حتی به امپراتورهای ته بسته‌ها رسید. اتریشی‌ها در آستانه بیرون رفتن از کشور بودند و کل اتریش دچار همان وضعیتی شده بود که گربه بر سر عکس‌ها آورده بود. اینجا بود که پریشکا یک روز کاغذ و قلم برداشت و حساب‌و‌کتاب کرد و در کمال ناراحتی فهمید که به این طریق نمی‌تواند پولدار بشود ولی اگر هر عکس را دو کرون بفروشد هنوز عکسی یک کرون سود می‌کند. این بار یک تبلیغ مؤثر طراحی کرد. یکی از عکس‌ها را داخل ویترینش گذاشت و زیر آن نوشت: «عکس پادشاه سالخورده: پانزده کرون، سابق: حالا فقط دو کرون.»

مرحله چهارم: متن فوق دشواری چندانی نداشت ولی متون طنز به‌طور کلی بیش از سایر متون مترجم را ترغیب می‌کند که از خودش چیزی به متن بیفزاید، چون کارکرد این متون ایجاد خنده است و لذا اگر مترجم بتواند خنده‌ای به متن بیفزاید به‌ناچار باید دقت را فدا کند. برای مثال در ترجمه متن فوق می‌توانیم به‌جای اینکه بگوییم گربه خود را روی عکس‌ها ولو کرد

بگوییم روی عکس‌ها جیش کرد: «گر به سیاه بی نزاکت هم بیکار نشست و سر تا پای امپراتور را متبرک کرد.» بدیهی است این قبیل افزودن‌ها باید بسیار با احتیاط صورت بگیرد؛ ولی نباید فراموش کرد که ترجمه تحت‌اللفظی و دقیق متون طنز باعث مرگ طنز موجود در متن می‌شود.

تمرین: متن زیر را ترجمه کنید و ترجمه خود را با ترجمه پیشنهادی مقایسه کنید. توجه کنید که در اینجا برای ایجاد انسجام کلمه خوش‌دلی یا خوشی سه بار تکرار شده است.

Elizabeth found, what has been sometimes found before, that an event to which she had looked forward with impatient desire, did not in taking place, bring all the satisfaction she had promised herself. It was consequently necessary to name some other period for the commencement of actual felicity; to have some other point on which her wishes and hopes might be fixed, and by again enjoying the pleasure of anticipation, console herself for the present, and prepare for another disappointment. Her tour to the Lakes was now the object of her happiest thoughts; it was her best consolation for all the uncomfortable hours, which the discontentedness of her mother and Kitty made inevitable; and could she have included Jane in the scheme, every part of it would have been perfect.

ترجمه پیشنهادی: الیزابت دریافت — گرچه پیش‌تر نیز گاه دریافته بود — که با تمام وجود آرزو می‌کند اتفاقی رخ بدهد ولی وقتی آن اتفاق می‌افتد به آن خوش‌دلی که انتظار دارد نمی‌رسد و در نتیجه مُدام لازم است زمان دیگری را در آینده تعیین کند و آن زمان را سرآغاز خوشی واقعی خود بداند و به آن زمان امید ببندد و فرارسیدن آن زمان را آرزو کند و خود را در لذت انتظار غرق کند تا رنج حال تسکین یابد و آماده باشد تا دلش دوباره بشکند. حالا فکری که بیش از همه او را خوش‌دل می‌کرد سفر به ناحیه دریاچه بود. گله و شکایت مدام مادرش و کیتی، به ناچار اوقاتش را تلخ می‌کرد و در تمام این اوقات هیچ چیز به اندازه فکر کردن به این سفر تسکینش نمی‌داد و اگر می‌توانست جین را نیز در این سفر با خود همراه کند دیگر از این بهتر نمی‌شد.